

نخستین مترجم زبان فارسی

یکصدمین سال میلاد قاضی بزرگ

■ احمد احمدیان

کارشناس ارشد زبان‌شناسی و دبیر دبیرستان‌های مهاباد

دادرسی ارتش گذراند. در نیمه‌سال ۱۳۲۰ در وزارت دارایی به کار پرداخت و در ۱۳۵۵ بازنشسته شد. در سال ۱۳۵۴ به بیماری سرطان حنجره دچار شد و هنگامی که برای درمان به آلمان رفت، این بیماری، تارهای صوتی و نای او را گرفته بود. او پس از جراحی، دیگر نمی‌توانست سخن بگوید و با دستگاهی ویژه که صدایی ویژه داشت، حرف می‌زد. استاد قاضی با آن قریحه طنزگویی و طنزپردازی که بدان شهره بود، آن دستگاه را «قازاک» نام نهاده بود.

قاضی پس از بازنشستگی در وزارت دارایی، در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان مشغول خدمت شد و در آنجا کارش فقط ترجمه کتاب بود. کتاب‌های «با خانمان»، «ماجراجوی جوان»، «پولینا چشم و چراغ کوه‌پایه» و «داستان کودکی من» و ... یادگارهای او از خدمت در آن مؤسسه است. در این مملکت کمتر کتاب‌خوانی است که نام «محمد قاضی» در گوشه‌ای از ذهنش جا نداشته باشد. محمد قاضی نخستین مترجم زبان فارسی است که نامش بر پشت جلد کتابی، دلیل حسن انتخاب، زیبایی و سلامت، سلاست و امانت و پشتوانه‌ای برای فروش بود و این قولی است که جملگی بر آن‌اند.

مشهورترین و ماندگارترین شاهکار قاضی ترجمه «دن کیشوت» اثر «سروانتس» در ۲ مجلد است. پدر داستان کوتاه ایران - سید محمدعلی جمال‌زاده - در شرح و تقریظی که بر این ترجمه نوشت، از آن چنین یاد کرد: «اگر سروانتس فارسی زبان می‌بود و می‌خواست شاهکار خود «دن کیشوت» را به فارسی بنویسد، زیاتر از این نمی‌شد که مترجم دن کیشوت - محمد قاضی - آورده است.» محمد قاضی مترجمی بود که تا آخرین لحظه حیات «تعهد فرهنگی و ادبی» را بر «تجارت و بازرگانی فرهنگی و ادبی» ترجیح داد و بدان پایبند ماند.

ادامه مطلب در وبگاه مجله

■ مرداد ماه امسال مصادف است با یکصدمین سال تولد قاضی بزرگ و «شیرآهن کوه مرد» ترجمه ایران. آفرینش‌گر بی‌بدیل قلمرو ترجمه ادبیات داستانی استاد محمد قاضی در ۱۲ مرداد ۱۲۹۲ هجری شمسی در شهر شور و شرر، علم و عمل و فرهنگ و هنر، «مهاباد» (ساجیلان آن زمان) چشم به جهان گشود و در ۲۴ در ماه سال ۱۳۷۶ در ۸۴ سالگی در بیمارستان مهر «تهران» دیده از جهان فروبست. پیکر او در روز یکشنبه ۲۸ دی ماه ۱۳۷۶ در میان خیل عظیمی از مشتاقان و دوستداران و مریدانش، که بالغ به ده‌هزار نفر بودند، با تجلیل فراوان مشایعت و بدرقه شد و در مقبره‌الشعرا مهاباد و در جوار استاد «هزار» - مترجم نامی «قانون» ابوعلی سینا - و استاد «همین» - غزل‌سرای نام‌دار کرد - به خاک سپرده شد.

محمد قاضی فرزند میرزا عبدالخالق قاضی، امام جمعه وقت مهاباد و از خانواده معروف «قاضی» مهاباد است. او در چهار سالگی پدرش را از دست داد و مادرش به همسری یکی از خوانین سقز به نام محمودبیگ کبخسروی درآمد. پس از آن، چندی در روستای «سریل‌آباد» و «چاغرلو» زندگی کرد. در نه سالگی به مهاباد رفت و «قاضی علی» پدر «قاضی محمد» شهیر سرپرستی او را عهده‌دار شد.

دوره دبستان را در سال ۱۳۰۷ به پایان رساند و به یاری عمویش، دکتر جواد قاضی مستشار ارشد دادگستری و استاد دانشگاه تهران در رشته حقوق قضایی و دانش‌آموخته حقوق از آلمان - در سال ۱۳۰۸ به تهران آمد. در سال ۱۳۱۵ از دارالفنون در رشته ادبی دیپلم گرفت و همان سال به اصرار عمویش

تحصیل در رشته حقوق دانشگاه تهران را شروع کرد. در سال ۱۳۱۸ دوره دانشکده را در گرایش حقوق قضایی به پایان برد و از ۱۳۱۸ تا ۱۳۲۰ دوران سربازی را با درجه ستوان دومی در